

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَجَلَ : گران قدرتر	سَبَقَ : پیشی گرفت (مضارع: يَسْبِقُ)
إِرْتَبَطَ : ارتباط داشت (مضارع: يَرْتَبِطُ)	سَبُورَةٌ : تخته سیاه
إِسْتَمَعَ : گوش فراداد (مضارع: يَسْتَمِعُ)	سُلُوكٌ : رفتار
إِلْتَزَمَ : پایبند شد (مضارع: يَلْتَزِمُ)	ضَرَّ : زیان رساند (مضارع: يَضُرُّ)
إِلْتَفَاتٌ : روی برگرداندن	عَصَى : سرپیچی کرد (مضارع: يَعِصِي)
إِلْتَفَتَ : روی برگرداند (مضارع: يَلْتَفِتُ)	عِلْمُ الْأَحْيَاءِ : زیست شناسی
أَلْفٌ : نگاهت (مضارع: يُؤَلِّفُ)	فَكَرَّ : اندیشید (مضارع: يُفَكِّرُ)
أَنْشَأَ : ساخت (مضارع: يُنْشِئُ)	قَمٌ : برخیز (قام، يَقُومُ)
تَارَةً : یک بار = مَرَّةً	مُشَاغِبٌ : شلوغ کننده ، اخلاصگر
تَبَجَّلَ : بزرگداشت	كَادَ : نزدیک بود که (مضارع: يَكَادُ)
تَعَنَّتْ : مچ گیری	وَأَفَقَ : موافقت کرد (مضارع: يُوَافِقُ)
تَنَبَّهَ : آگاه شد (مضارع: يَتَنَبَّهُ) = اِنْتَبَهَ	وَفَّى : کامل کرد (مضارع: يُوفِّي)
حِصَّةٌ : زنگ درسی، قسمت	«وَفَّهِ التَّبَجُّيلَ : احترامش را کامل به جا بیاور.»
خَجِلَ : شرمنده شد (مضارع: يَخْجَلُ)	هَمَسَ : آهسته سخن گفت (مضارع: يَهْمِسُ)

* اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * الْعَلَقِ : ۳ و ۴

بخوان که پروردگارت گرامی ترین است ، همو که که با قلم یاد داد .

در پیشگاه معلم
www.my-dars.ir

فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ

فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى مُدْرَسِ الْكِيمِيَاءِ ،

در زنگ اول دانش آموزان به معلم شیمی گوش فرا می دادند،

وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ، يَضُرُّ الطُّلَابَ بِسُلُوكِهِ،

در میان آن‌ها دانش‌آموزی اخلاق‌گر (شلوغ‌کار) و بی‌ادبی بود که با رفتارش به دانش‌آموزان زیان می‌رساند.

يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلْفَهُ

یک بار (گاهی) به عقب روی برمی‌گرداند (برمی‌گشت) و با کسی که پشت سرش بود سخن می‌گفت

وَ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حِينَ يَكْتُبُ الْمُعَلِّمُ عَلَى السَّبَّوْرَةِ؛

و یک بار (گاهی) با کسی که کنارش می‌نشست، آهسته سخن می‌گفت وقتی معلم روی تخته سیاه می‌نوشت؛

وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّانِيَةِ كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ تَعَنُّتًا؛

در زنگ دوم [همان] دانش‌آموز برای می‌گیری از معلم زیست‌شناسی سوال می‌کرد؛

وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّلَاثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ؛

و در زنگ سوم با یک همکلاسی مثل خودش، حرف می‌زد و می‌خندید؛

فَنَصَحَهُ الْمُعَلِّمُ وَقَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الْإِمْتِحَانِ.

پس معلم او را نصیحت کرد و گفت: کسی که به درس خوب گوش نکند در امتحان رد (رفوزه) می‌شود.

وَلَكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَ عَلَى سُلُوكِهِ. أَمَّا دَانِشْ أَمُوزْ بَه رِفْتَارِشْ اِدَامَه دَاد.

فَكَرَّ مِهْرَانُ حَوْلَ هَذِهِ الْمُسْكِلَةِ، فَذَهَبَ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ

www.my-dars.ir

مهران پیرامون این مشکل اندیشید، پس به سوی معلم ادبیات فارسی رفت

وَ شَرَحَ لَهُ الْقِصَّةَ وَقَالَ: أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِِنْشَاءً تَحْتَ عُنْوَانِ «فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ»؛

و داستان را برایش شرح داد و گفت: دوست دارم که انشایی تحت عنوان «در محضر معلم» بنویسم.

فَوَافِقَ الْمُعَلِّمِ عَلَى طَلَبِهِ، وَقَالَ لَهُ : پس معلّم با خواسته او موافقت کرد، و به او گفت :

إِنْ تَطَالَعِ كِتَابَ «مُنِيَةِ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهِيدِ الثَّانِي» يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِنشَائِكَ؛

اگر کتاب «منیه المرید» از زین الدین عاملی «شهید ثانی» را مطالعه کنی در نوشتن انشایت به تو کمک می کند؛
ثُمَّ كَتَبَ مِهْرَانَ إِنشَاءً وَأَعْطَاهُ لِمُعَلِّمِهِ . سپس مهران انشایش را نوشت و آن را به معلمش داد.

فَقَالَ الْمُعَلِّمُ لَهُ: إِنْ تَقَرَأَ إِنشَاءَكَ أَمَامَ الطُّلَابِ فَسَوْفَ يَتَّبِعُهُ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ .

پس معلّم به او گفت: اگر انشایت را در برابر دانش آموزان بخوانی پس دوست اخلاک‌گرت (شلوغ‌کارت) آگاه خواهد شد.
و هَذَا قِسْمٌ مِنْ نَصِّ إِنشَائِهِ : و این ، قسمتی از متن انشای اوست :

أَلْفَ عَدَدٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتِبَ فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ، وَ الْآخَرَى بِالْمُتَعَلِّمِ؛

تعدادی از دانشمندان کتاب‌هایی در زمینه‌های تعلیم (آموزش) و تربیت (پرورش) نگاشتند (نوشته‌اند) ، که برخی از آن‌ها به یاد دهنده (معلّم) و برخی دیگر به یادگیرنده (دانش آموز) ارتباط دارد.
وَ لِلطُّلَابِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ آدَابٌ، مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجَحُ؛ أَهْمُهَا:

دانش آموز در محضر معلّم آدابی دارد، هر کس به آن‌ها پایبند باشد موفق می‌شود؛ مهم‌ترین آن‌ها [عبارتند از] :

۱ - أَنْ لَا يَعْصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ. این‌که از دستورات معلّم نافرمانی (سرپیچی) نکند.

۲ - الْإِجْتِنَابُ عَنْ كَلَامٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلْآدَابِ . دوری از سخنانی که در آن بی ادبی است .

۳ - أَنْ لَا يَهْرُبَ مِنْ أَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ. این‌که از انجام تکالیف درسی (مربوط به مدرسه) فرار نکند .

۴ - عَدَمُ النَّوْمِ فِي الصَّفِّ، عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ. وقتی معلّم درس می‌دهد، در کلاس نخوابد.

۵- أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطُّلَابِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ.

این که وقتی معلم درس می‌دهد، با دیگر دانش‌آموزان صحبت نکند.

۶- أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلَامَهُ ، وَلَا يَسْبِقَهُ بِالْكَلَامِ، وَيَصْبِرَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْكَلَامِ.

اینکه سخن او را قطع نکند، و در سخن از او پیشی نگیرد (وسط حرفش نپرد)، و صبر کند تا از سخن فارغ شود.

۷- الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ ، وَالْاسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدِقَّةٍ وَ عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِضَرُورَةٍ.

با ادب در برابرش نشستن و با دقت به او گوش فرا دادن و به پشت سر برنگشتن مگر برای ضرورتی.

لَمَّا سَمِعَ الطَّالِبُ الْمُشَاغِبُ إِِنْشَاءَ مَهْرَانَ ، خَجَلَ وَ نَدِمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ.

وقتی دانش‌آموز اخلاک‌گر (شلوغ‌کار) انشای مهران را شنید، شرم‌منده شد و از رفتارش در کلاس پشیمان شد.

قال الشاعرُ المصريُّ أحمدُ شوقيَّ عَنِ الْمُعَلِّمِ :
شاعر مصری احمد شوقی درباره معلم گفت:

قُمْ لِلْمُعَلِّمِ وَفِيهِ التَّبَجُّيلَا
كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا

برای معلم برخیز و احترامش را کامل به جا بیاور
نزدیک بود که معلم پیامبر شود

أَعْلِمْتَ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَّ مِنْ أَلَدِي
يَبْنِي وَيُنْشِئُ أَنْفُسًا وَعُقُولًا

آیا می‌شناسی شریف‌تر یا بزرگوارتر از کسی که
جان‌ها و عقل‌ها را بنا می‌کند و می‌سازد؟

أَكْتُبُ جَوَابًا قَصِيرًا ، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ .
گروه آموزشی عصر

۱- إِلَى مَنْ ذَهَبَ مَهْرَانُ؟
ذهب مهرانُ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ .

مهران به سوی (نزد) چه کسی رفت؟

۲- كَيْفَ يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ؟
يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ بِأَدَبٍ .

نشستن در برابر معلم باید چگونه باشد؟

۳- كَيْفَ كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَفِتُ إِلَى الْوَرَاءِ؟ كَانَتْ أَخْلَاقُهُ مُشَاغِبًا قَلِيلَ الْأَدَبِ.

اخلاق دانش آموزی که به عقب برمی گشت ، چگونه بود ؟

۴- مَا اسْمُ الْكِتَابِ الَّذِي قَرَأَهُ مِهْرَانُ فِي مَجَالِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ؟

إِسْمُهُ «مُنِيَّةُ الْمُرِيدِ».

اسم کتابی که مهران درباره‌ی پرورش و آموزش خواند چیست ؟

۵- فِي أَيِّ حِصَّةٍ كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ؟ فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ.

در کدام زنگ ، دانش آموزان به استاد شیمی گوش فرا می دادند ؟

إِعْلَمُوا اسلوب الشرط و أدواته

✓ مهم ترین ادوات شرط عبارتند از : « مَنْ ، ما ، إِنْ » معمولاً این ادوات بر سر عبارتی می آیند که دو فعل

دارد ، فعل اول ، فعل شرط و فعل دوم ، جواب شرط نام دارد .

✓ این ادوات در معنای فعل و جواب شرط و گاهی در شکل ظاهر آنها تغییراتی را ایجاد می کند ؛ مثال :

مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا غَالِبًا .

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

هر کس پیش از سخن گفتن بیندیشد، غالباً از اشتباه در امان می ماند.

✓ گاهی نیز جواب شرط به صورت جمله اسمیه است؛ مثال:

* وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ * الطَّلَاق : ۳

مبتدا خبر

فعل شرط

جمله‌ی اسمیه ، جواب شرط

هر کس به خداوند توکل کند ، پس همان او را بس است .

✓ وقتی ادوات شرط بر سر جمله‌ای بیاید که فعل شرط و جواب آن فعل ماضی باشد، می‌توانیم فعل شرط را مضارع التزامی و جواب آن را مضارع اخباری ترجمه کنیم .

مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ ، قَلَّ خَطُّهُ .

ادات شرط فعل شرط جواب شرط

هرکس پیش از سخن گفتن اندیشید (بیندیشد) ، خطایش کم شد (می‌شود) .

✓ و هرگاه فعل شرط مضارع باشد ، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

« مَنْ : هرکس » مثال :

مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا ، يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ .

ادات شرط فعل شرط جواب شرط هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.

« مَا : هرچه » مثال :

مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا ، تَخْصُدُ فِي الْآخِرَةِ .

ادات شرط فعل شرط جواب شرط هرچه در دنیا بکاری ، در آخرت درو می‌کنی.

مَا فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ ، وَجَدْتَهُهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ .

ادات شرط فعل شرط جواب شرط

هرچه از کارهای نیک انجام دهی ، آنها را اندوخته‌ای برای آخرت می‌یابی.

« إِنْ : اگر » مثال :

إِنْ تَزْرَعُ خَيْرًا ، تَخْصُدُ سُورًا .

ادات فعل شرط جواب شرط

شرط اگر نیکی بکاری ، شادی درو می‌کنی .

إِنْ صَبَرْتَ ، حَصَلَتْ عَلَيَّ النَّجَاحُ فِي حَيَاتِكَ .

ادات فعل شرط جواب شرط

شرط اگر صبر کنی، در زندگی‌ات موفقیت به دست می‌آوری.

« إذا : هرگاه ، اگر » ؛ نیز معنای شرط دارد ؛ مثال :

إِذَا اجْتَهَدْتَ ، نَجَحْتَ .

ادات فعل شرط جواب شرط

شرط

هرگاه (اگر) تلاش کنی، موفق می شوی.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

۱ - * وَمَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ * الْبَقَرَةُ: ۱۱۰

جواب شرط

ادات شرط فعل شرط

هر آنچه از خوبی برای خودتان از پیش (پیشاپیش) بفرستید، آن را نزد خداوند می یابید.

۲ - * إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ * مُحَمَّدٌ: ۷

جواب شرط

ادات فعل شرط

اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گام هایتان را استوار می سازد.

شرط

۳ - * وَإِذَا خَاطَبَهُمْ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا * الْفُرْقَانُ: ۶۳

جواب شرط

ادات فعل شرط

هرگاه نادانان آن ها (ایشان) را خطاب کنند، سخن آرام می گویند.

شرط

التمرین الأول: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ .

x

✓

✓

۱ - التَّعْنَتُ طَرَحُ سُؤْلِ صَعْبٍ يَهْدَفُ إِجَادَ مَشَقَّةٍ لِلْمَسْئُولِ .

مچ گیری، مطرح کردن سوالی سخت با هدف ایجاد سختی برای کسی که مورد سوال واقع شده است .

x

۲ - عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مُطَالَعَةُ خَوَاصِّ الْعُنَاصِرِ .

زیست شناسی ، علم مطالعه ی ویژگی های عنصرهاست .

x

۳ . الْإِلْتِفَاتُ هُوَ كَلَامٌ خَفِيَ بَيْنَ شَخْصَيْنِ .

روی برگرداندن همان سخن پنهانی بین دو نفر است .

✓

۴ . السَّبَّوْرَةُ لَوْحٌ أَمَامَ الطَّلَابِ يُكْتَبُ عَلَيْهِ .

تخته سیاه، لوحی در مقابل دانش آموزان است که روی آن نوشته می شود.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ وَ عَيِّنْ فِعْلَ الشَّرْطِ وَ جَوَابَهُ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

۱- وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ . (البقرة: ۷۳)

ادات شرط فعل شرط جواب شرط

و هر آنچه از خیر و خوبی انفاق کنید ، قطعاً خداوند نسبت به آن آگاه است.

(الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَرٍّ : خَيْرٌ ، هـ)

۲- مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، فَلَهُ أَجْرٌ مِمَّنْ عَمِلَ بِهِ، لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ . (رسول الله ص)

ادات شرط فعل شرط جواب شرط

هر کس علمی به دیگری بیاموزد، پاداش کسی را دارد که به آن عمل کند، از پاداش عمل کننده کاسته نمی‌شود.

(یعنی بدون اینکه از پاداش عمل کننده چیزی کاسته شود ، یاددهنده‌ی دانش هم ، همان پاداش را می‌برد .)

(اِسْمَ الْفَاعِلِ : الْعَامِلِ)

۳- الْإِنْسَانُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلَ . الإمام علي عليه السلام

مردم دشمن آنچه نمی‌دانند هستند.

(الْجَمْعَ الْمَكْسَرَ وَ مُفْرَدَهُ: أَعْدَاءُ مَفْرَدَةٌ « عَدُوٌّ »)

۴- إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ . الإمام علي عليه السلام

ادات فعل شرط فاعل جواب شرط فاعل

هرگاه عقل تمام شود ، سخن کم می‌شود . شرط

۵- الْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَتْ مَيِّتًا . الإمام علي عليه السلام

میتدا خبر دانشمند ، اگرچه مرده باشد ؛ زنده است .

۶- قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا . الإمام علي عليه السلام

به خاطر پدر و معلمت از جایت برخیز ؛ اگرچه (هر چند) فرمانده (فرمانروا) باشی .

(اِسْمَ الْمَكَانِ : مَجْلِسٍ وَ اِسْمَ الْفَاعِلِ : مُعَلِّمٍ)

التمرین الثالثُ : تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ .

المَصْدَر	الأمرُ وَ النَّهْي	المُضَارِع	الْمَاضِي
الإِنْقَاذُ : نجات دادن	أَنْقَذُ : نجات بده	يُنْقِذُ : نجات می دهد	قَدْ أَنْقَذَ : نجات داده است
الْإِبْتِعَادُ : دور شدن	لَا تَبْتَعِدُ : دور نشو	لَا يَبْتَعِدُ : دور نمی شود	إِبْتَعَدَ : دور شد
الْإِنْسِحَابُ : عقب نشینی کردن	لَا تَنْسَحِبُ : عقب نشینی نکن	سَيَنْسَحِبُ : عقب نشینی خواهد کرد	إِنْسَحَبَ : عقب نشینی کرد
الْإِسْتِخْدَامُ : به کار گرفتن	إِسْتَخِدِمُ : به کار بگیر	يَسْتَخِدِمُ : به کار می گیرد	إِسْتَخَدَمَ : به کار گرفت
الْمُجَالَسَةُ : همنشینی کردن	جَالِسٌ : همنشینی کن	يُجَالِسُ : همنشینی می کند	جَالَسَ : همنشینی کرد
التَّذَكُّرُ : به یاد آوردن	لَا تَذَكَّرُ : به یاد نیاور	يَتَذَكَّرُ : به یاد می آورد	تَذَكَّرَ : به یاد آورد
التَّعَايُشُ : همزیستی کردن	تَعَايَشُ : همزیستی کن	يَتَعَايَشُ : همزیستی می کند	تَعَايَشَ : همزیستی کرد
التَّحْرِيمُ : حرام کردن	لَا تُحْرَمُ : حرام نکن	يُحْرَمُ : حرام می کند	قَدْ حُرِّمَ : حرام کرده است

التمرین الرابعُ : ضَعِ هَذِهِ الْجُمَلِ وَ التَّرَاكِيِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هؤلاءِ ناجِحَاتُ / هذانِ المُكَيِّفَانِ / تلكِ الحِصَّةُ / اولئكِ مُسْتَمِعُونَ / هؤلاءِ جُنُودُ / هاتانِ البِطَاقَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالر	جمع مؤنث سالر	جمع مکسر
تِلْكَ الحِصَّةُ	هَذَانِ المُكَيِّفَانِ	هَاتَانِ البِطَاقَتَانِ	اولئكِ مُسْتَمِعُونَ	هؤلاءِ ناجِحَاتُ	هؤلاءِ جُنُودُ

التمرین الخامسُ : ضَعِ الْمُتْرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. # =

وَدٌّ / بَعْدٌ / تَكَلَّمَ / إِنْجَلَسَ / نَهَايَةٌ / عَدَاوَةٌ / اِحْتِرَامٌ / أَحْيَاءٌ / مَرَّةٌ / نَفْعٌ / ذَنْبٌ / هَرَبٌ

www.my-dars.ir

إِثْمٌ = ذَنْبٌ	تَبْجِيلٌ = اِحْتِرَامٌ	تَارَةً = مَرَّةٌ	حُبٌّ = وَدٌّ
فَرٌّ = هَرَبٌ	أَمْوَاتٌ ≠ أَحْيَاءٌ	دَنَا ≠ بَعْدَ	قُمْ ≠ إِنْجَلَسُ
ضَرٌّ ≠ نَفْعٌ	بِدَايَةٌ ≠ نَهَايَةٌ	سَكَتٌ ≠ تَكَلَّمَ	صَدَاقَةٌ ≠ عَدَاوَةٌ

التمرینُ السَّادِسُ: أَكْمِلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَيْنِ، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاءَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

۱- * وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ * الْبَقَرَةُ: ۱۹۷

ادات شرط فعل شرط جواب شرط

و آنچه را از کار نیک انجام دهید، خدا آن را می داند. (از آن آگاه است).

۲- * إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ * الْإِسْرَاءُ: ۷

ادات فعل شرط جواب شرط

شرط اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می کنید (کرده اید).

۳- * إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا * الْأَنْفَالُ: ۲۹

ادات فعل شرط جواب شرط

شرط اگر پروای خدا کنید، برایتان نیروی جداکننده‌ی حق از باطل قرار می دهد.

۴. مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ادات شرط فعل شرط جواب شرط

هرکس در خردسالی اش بپرسد، در بزرگسالی اش پاسخ می دهد.

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

ابْحَثْ فِي كِتَابِ « مَنِةِ الْمُرِيدِ » لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ « الشَّهِيدِ الثَّانِي » عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ آدَابِ التَّلْعِيمِ وَالتَّعَلُّمِ ثُمَّ اكْتُبْهُ .

کتاب منیه المرید فی آداب المفید و المستفید ، کتابی در حوزه‌ی اخلاق اسلامی می‌باشد که یکی از آثار زین‌الدین ابن علی‌العاملی معروف به شهید ثانی می‌باشد.

موضوع کتاب ، آداب متقابل معلم و متعلم و نیز آداب تعلیم و تعلم در اسلام است . این کتاب منبع بسیاری از آثار پس از خود بوده و به جهت اهمیت آن دارای شروح و حواشی ، ترجمه‌های متعدّد و تلخیص‌هایی می‌باشد . این کتاب شریف از دیرباز تاکنون ، کانون توجّه دانشمندان و علمای شیعی بوده است.

جناب شهید ثانی از نوادگان علامه حلّی و جزو فقهای نامدار شیعه بوده است . از ایشان تألیفات بسیاری برجای مانده که مهمترین آنها کتاب (الروضة البهیة فی شرح لمعة الدمشقیة) در باب فقه جعفری یا بیانی نیمه استدلالی ، به رشته‌ی تحریر درآمده است .

شهید ثانی در ابتدای کتاب ، تاریخ اتمام تألیف آن را روز پنج شنبه ۲۰ ربیع الاول سال ۹۵۴ یعنی یازده سال قبل از شهادتش ، در سن ۴۵ سالگی به پایان رسانده است.

✓ تقسیم ابواب و فصول کتاب منیه المرید:

مقدمه : پیرامون فضیلت علم و روایات وارده در آن می‌باشد .

باب اول : در آداب معلّم و مُتعلّم بحث شده است.

باب دوم : آداب مُفتی و مُسْتَفْتی و فتوی را بیان نموده است.

باب سوم : آداب و آفات و شروط مناظره را گوشزد می‌کند . www.mydars.com

باب چهارم : روش کتابت را بیان نموده است .

خاتمه : در اقسام علوم شرعی و مراتب آن سخن گفته شده است .

تمه کتاب : شامل وصایای مؤلّف به عموم طلاب است .